



فصلنامه تخصصی کتابخانه بزرگ  
حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته  
سال بیست و هفتم | شماره ۱۰۳ | بهار ۱۴۰۰

## رحله حجازیه و کلمه طیبیه

(گزارش حج ۱۳۴۵ ق آیت الله طارمی زنجانی)

به کوشش: علی اکبر صفری<sup>۱</sup>

### چکیده

مقاله گزارشی است کوتاه از سفر یحیی طارمی زنجانی (متوفی ۱۳۵۲ ق.) به حج در سال ۱۳۴۵ قمری / ۱۳۰۴ شمسی، که زمانی کوتاه پس از تخریب قبور امامان معصوم در بقیع به دست وهابیون بوده است. یادداشت مختصر او عمدتاً در باب ضرورت بازسازی بقیع و راهکار آن است.

### کلید واژه‌ها

رحله حجازیه و کلمه طیبیه (کتاب)؛ طارمی زنجانی، یحیی؛ سفرنامه‌های حج؛ تاریخ بقیع.

---

۱. پژوهشگر حوزوی در حوزه کتابشناسی و تراجم‌نگاری.

حرم بقیع، آرامگاه چهار امام معصوم شیعه و شماری از خاندان اهل بیت (علیهم السلام) و اصحاب و نامداران تاریخ اسلام است. این گنجینه بزرگ تاریخ، بارها مورد هجوم وهابی‌ها قرار گرفته و بازسازی شده است. آخرین بنای این بقعه مبارکه ساختمانی از خشت و خاک و ضریحی ساده و حالتی تأسف انگیز داشته است. فخرالمتکلمین گیلانی که در سال ۱۳۴۰ ق توفیق زیارت بقیع را داشته، چنین غربت و مظلومیت آن را شرح داده است:

«... چون در سنه یک هزار و سیصد و چهل هجری از الطاف الهیّه بحج بیت الله الحرام و زیارت پیغمبر - صلی الله علیه و آله - و ائمه معصومین کرام - علیهم الصلوات و السلام - نائل و مشرف گردیدم و قبور چهار تن از امامان خود را در قبرستان بقیع غرق غریبانه مشاهده نمودم، بسی اشک از دیده باریدم و آه از سینه کشیدم و نالیدم که ای کاش مرا آن قوت و کفایت در کف بود که در تعظیم شعائر الله کوشیده، قبه زرنگار بر مزار آن بزرگواران بنا کنم، تا از اشعه انوار آن، دیدگان دوست روشن و چشمان دشمن کور گردد. و چون بر این عزم دسترسی و بر این داد فریادرسی ندیدم و نداشتم، همی در بیت الاخوان هموم و غموم سر بر زانو نهاده و بسی غمزده و گریان، روزهای روشن را چون شبهای تاریک گذرانیدم».<sup>۱</sup>

این مرقد مطهر در ششم شوال ۱۳۴۴ برابر ۲۹ فروردین ۱۳۰۴ ش، با فتوای شیخ عبداله بن بلهید بار دیگر مورد حمله قرار گرفت و با خاک یکسان شد. این روز به «یوم الهدم» (روز تخریب) شهرت یافت.

در روز شمار تاریخ معاصر ایران آمده است:

«ابن سعود حاکم وهابی نجد، امروز به مکه و مدینه حمله کرد و جواهرات و نفایسی را که بزرگان و سلاطین اسلام و متولیان در طی قرون به ضریح مقدّس مطهر نبوی هدیه کرده بودند را به غارت برد. وهابی‌ها به سرگردگی عبدالعزیز بن سعود پس از آن که مکه را اشغال کردند، به مدینه روی آوردند. وهابی‌ها مدینه را محاصره کردند و موفق شدند ماموران عثمانی

۱. الفردوس الرفیع فی تواریخ الحجج و الأئمة المدفونین فی البقیع، نسخه خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، شماره ۱/۱۰۵۷۰، برگ ۳ ر

را بیرون کنند و مدینه را به تصرف درآورند. با اشغال شدن مدینه، وهابی ها تخریب قبور بقیع را آغاز کردند. روزنامه ایران خبر داد به دستور قاضی القضاة وهابی ها بقاع متبرکه و بقعه امام حسن مجتبی - علیه السلام - به کلی خراب و منهدم شد.<sup>۱</sup>

علامه سید محسن امین درباره این فاجعه نوشته است:

«وقتی وهابیان وارد طائف شدند، گنبد مدفن ابن عباس را خراب کردند، چنانکه یکبار دیگر این کار را کرده بودند. آنان هنگامی که وارد مکه شدند، گنبد های قبر عبدالمطلب، ابوطالب و خدیجه ام المؤمنین (علیهم السلام) را ویران نمودند و زادگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و فاطمه زهرا (علیها السلام) را با خاک یکسان کردند و آنگاه که وارد جده شدند، گنبد و قبر حوا را خراب کردند و به طور کلی، تمام مقابر و مزارات را در مکه، جده، طائف و نواحی آنها ویران نمودند و زمانی هم که مدینه منوره را محاصره کردند، به ویران کردن مسجد و مزار حمزه پرداختند. پس از تسلط وهابیان بر مدینه منوره، قاضی القضاة وهابیان، شیخ عبدالله بن بلیهد، در رمضان ۱۳۴۴ ق، از مکه به جانب مدینه حرکت کرد و اعلامیه ای صادر نمود و ضمن آن، جواز ویران کردن گنبدها و زیارتگاهها را از مردم خواستار شده بود. بسیاری از مردم از ترس به آن پاسخ نداده و برخی نیز لزوم ویران کردن را خواستار شده بودند!

البته هدف او از این اعلامیه و سؤال، نظرخواهی واقعی نبود، بلکه می خواست در میان مردم آمادگی ایجاد کند، چون وهابیان در هیچیک از اعمال خود و در ویران کردن گنبدها و ضریحها، حتی گنبد مرقد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) منتظر نظر مردم نبودند و این اعمال، پایه مذهب آنان است. شاهد سخن آنکه، آنان پس از نشر این اعلامیه و سؤال و جواب، همه گنبدها و زیارتگاهها را در مدینه و اطراف آن ویران کردند و حتی گنبد مضاجع ائمه اهل بیت (علیهم السلام) را در بقیع، که قبر عباس عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز در کنار آنها بود، خراب نمودند و دیوارها و صندوقها و ضریحهایی که روی قبرهای شریف قرار داشت، همه را از بین بردند، در حالی که برای آن، هزار ریال مجیدی هزینه کرده بودند. آنها در این زیارتگاهها، جز تلی سنگ و خاک، به عنوان علامت باقی نگذاشتند.

۱. روز شمار تاریخ معاصر ایران، ص ۴۸ و ۴۹، ص ۱۱۸ به نقل از روزنامه ایران، شماره ۲۱۲۷؛ ص ۱





سمت راست مرحوم میرزا محمود امام جمعه (پدر مرحوم آیت الله عزالدین زنجانی) سمت چپ مرحوم شیخ یحیی طارمی (فرزند شیخ جواد طارمی)

از جمله تخریب‌ها، از میان بردن گنبد مرقد عبدالله و آمنه، پدر و مادر حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و نیز مزار همسران آن بزرگوار و قبر عثمان بن عفان و قبر اسماعیل بن جعفر الصادق (علیه السلام) و قبر مالک، امام دارالہجره و غیر آن بود که بیان همه آنها به طول می‌انجامد و بطور خلاصه، تمام مزارات مدینه و اطراف آن و ینبع را خراب کردند و پیش از آن، قبر حمزه عموی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قبور بقیه شهدای اُحد را از بین برده بودند و از آنها جز مشتی خاک برجای نمانده بود و کسی که بخواهد قبر حمزه را زیارت کند، در صحرا جز تپه‌ای از خاک نمی‌بیند.<sup>۱</sup>

۱. تاریخچه و نقد و بررسی عقائد و اعمال و تہابی‌ها، سید ابراهیم سید علوی، ص ۷۶ و ۷۷.

یکی از جهانگردان غربی به نام مستر ریتر که به فاصله کوتاه از ویرانی این حرم و سایر مقابر و حرمها، بقیع را دیده، ویرانی آنجا را چنین ترسیم نموده است:

«چون وارد بقیع شدم، آنجا را همانند شهری دیدم که زلزله شدیدی در آن به وقوع پیوسته و به ویرانه‌ای مبدل ساخته است؛ زیرا در جای جای بقیع، بجز قطعات سنگ و کلوخ بهم ریخته و خاکها و زباله‌های روی هم انباشته و تیرهای چوب کهنه و شیشه‌های درهم شکسته و آجرها و سیمان‌های تکه تکه شده، چیز دیگری نمی‌توان دید، فقط در بعضی از رهگذرهای تنگ این قبرستان از میان این زباله‌ها راه باریکی برای عابرین باز نموده‌اند. و اما آنچه در کنار دیوار غربی بقیع دیدم، تلی بود از تیرهای قدیمی و تخته‌های کهنه و سنگها و قطعات آهن روی هم انباشته، که اینها بخشی از زباله‌ها و بقایای مصالح ساختمان‌های ویران شده‌ای بود که در کنار هم انباشته بود، ولی این ویرانی‌ها و خرابی‌ها، نه در اثر وقوع زلزله و یا حادثه طبیعی، بلکه با عزم و اراده انسان‌ها به وجود آمده است و همه آن گنبد و بارگاه‌های زیبا و سفید رنگ، که نشانگر قبور فرزندان و یاران پیامبر اسلام بود، با خاک یکسان گردیده است.

او اضافه می‌کند: چون برای مشاهده بیشتر این آثار، که نشانگر قبور مسلمانان صدر اسلام و تاریخ سازان روزگار است، در میان سنگ و کلوخ حرکت می‌کردم. از زبان راهنمایم شنیدم که از شدت ناراحتی این جمله‌ها را آهسته! تکرار می‌نمود: «استغفرالله»، «استغفرالله». «لا حول ولا قوة الا بالله»<sup>۱</sup>.

تخریب و ویران کردن بنای قبور و حرام دانستن زیارت حتی قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ارکان اعتقاد وهابی‌ها است. میرزا ابوالقاسم بن میرمحمد کاظم موسوی زنجانی در مقالید الأبواب (نوشته شده در ۱۲۸۱-۱۲۸۵ ق)، نامه شیعیان برای درخواست اجازه جهت زیارت قبر پیامبر حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و جواب رئیس فرقه وهابی را چنین ثبت کرده است:

۱. تاریخ حرم ائمه بقیع علیهم السلام و آثار دیگر در مدینه منوره، محمد صادق نجمی، ص ۱۱۰ به نقل از موسوعة العتبات المقدسة، ۳ ج، ص ۳۲۹



«... و كان حرّم زيارة اهل القبور مطلقاً قبر النبي - صَلَّى الله عليه وآله - و قبور سائر الشهداء و ائمة الهدى و قال أنّها بدعة و منع الناس عن ذلك، حتّى إنّ الحجّاج العجم كتبوا اليه عريضة و استرخصوا في ضمنها زيارة قبر النبي - صَلَّى الله عليه وآله - فكتب فوق العريضة:

بسم الله الرحمن الرحيم

شما را مرخص نخواهيم فرمود، إن شاء الله تعالى»<sup>۱</sup>.

اکنون بیش از صد سال از این واقعه دردناک گذشته است و بقیع همچنان نماد مظلومیت و غربت خاندان گرامی پیامبر اسلام (صَلَّى الله عليه وآله) و نمودی از جهل و دشمنی وهابی‌ها با این خاندان پاک است. هر چند بقیع، ویرانه بی شمع و چراغ و خادم غریبانه‌ترین و غمگنامه‌ترین زیارتگاه جهان است، ولی آفتاب ولایت از خرابه‌های آن بر تارک تاریخ می‌درخشد و آفاق جهان از احادیث و آموزه‌های ائمه مدفون در بقیع پر شده است.

متن پیش رو گزارشی کوتاه از سفر حج آیت الله شیخ یحیی طارمی زنجانی در سال ۱۳۰۵ ش برابر ۱۳۴۵ ق است و از این جهت که یک سال پس از تخریب بقیع، صورت گرفته حائز اهمیت است.

چنان که می‌دانیم در سال تخریب ۱۳۰۴ ش، سفر حج ایرانیان به علت اعتراض به جنایت وهابی‌ها ممنوع شد. حاج محمد زنجانی که در سفرنامه خود که به این نکته اشاره کرده است، که چون به ایرانیان اجازه سفر حج ندادند وی پس از زیارت عتبات عالیات به بیروت رفته و از آنجا به حج عازم شده است و چون یک ماه از تخریب قبور گذشته بود، از ترس جان نتوانسته به مدینه برود، حتی رفتن به مسجد حضرت ابراهیم (علیه السلام) در عرفات را چنین شرح داده است:

«مسجدی بود که می‌گفتند مسجد حضرت ابراهیم است، نهایت درجه میل داشتم بروم

۱. مقالید الأبواب، ابوالقاسم بن میرمحمد کاظم موسوی زنجانی، نسخه خطی، برگ ۱۲ ر. ۶.

زیارتش را کنم، دلیلی که باعث گشت موفق نشویم احتیاط از وهابی ها که ما را مهدورالدم می دانند».<sup>۱</sup>

و گزارش خود در مکه و دیدار از قبرستان حجون را چنین نوشته است:

«در سمت چپ، مقبره‌ای به نام حجون که قبر حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و سایر اجداد حضرت رسول (صلوات الله علیه و آله) است، یکماه قبل از ما وهابی ها هر چه قبور متبرکه در آن قبرستان بوده با خاک یکسان و آثاری از بقاع بنی هاشم باقی نگذاشته معدوم کرده بودند، حتی پاسبان داشتند و احدی را جرأت حرف زدن و یا نگاه کردن نبود».<sup>۲</sup>

در این گزارش خطابه آیت الله طارمی زنجانی به سه زبان فارسی، ترکی و عربی در جدّه، و بازتاب وسیع آن مورد استقبال واقع شده است. همچنین بحث رویت هلال ماه الحجّه و پذیرفتن نظر یک عالم شیعه: آیت الله طارمی زنجانی از طرف پادشاه سعودی آمده است.

دعوت ابن سعود از شماری از حاجیان از جمله آیت الله طارمی زنجانی برای ضیافت و جواب ردّ ایشان از مطالب مهم این اعلان است. درخواست تعمیر قبور ائمه (علیهم السلام) از طرف شیعیان و قبول نکردن پادشاه سعودی و وعده برای کشیدن دیوار به بلندی قامت یک نفر در اطراف بقیع و مسقف نمودن آن از مطالب دیگر این مقال است. این وعده‌ای ست که محمد علی لاری - رئیس کنسولگری ایران در نجد - نیز در گزارش خود به تاریخ ۲۸ محرم ۱۳۴۷ ق، درباره آن می نویسد: دولت و مأمورین عربستان به وعده‌هایی که داده بودند عمل نکردند، بلکه روش‌های خشونت آمیز خود را تشدید کردند. زائران ائمه بقیع را اذیت و آزار می‌رسانند و وعده‌ها و طرح‌هایی که در مذاکرات برای بازسازی و مسقف کردن بقیع مصوّب شده بود را اجرا نکردند».<sup>۳</sup>

گزارش حمله دیگری به مدینه طیبّه در هجدهم ذیحجه همان سال و تخریب تمامی قبور و قبّه‌هایی که در داخل و خارج مدینه منوره بوده از روایت‌های تلخ تاریخ این قبرستان است.

۱. سفرنامه حج، حاج محمد زنجانی، نسخه خطی، برگ ۲۳ ر

۲. همان، نسخه خطی، برگ ۲۴ ر

۳. اسناد و روابط ایران و عربستان سعودی ۴۰۳۱-۷۵۳۱ ش، علی محقق، ص ۵۵.





مناظره آیت الله شیخ یحیی طارمی زنجانی، با قاضی بزرگ مدینه و جواب مستدل ایشان از آخرین مطالب این نوشته است. ناامنی حجاج و ناتوانی آل سعود برای برگزاری مراسم حج، فصل پایانی این مقال است.

در پایان پیشنهاد این که: «غیرتمندان مسلمین در هر بلد، مجمعی تشکیل دهند و هفته یا ماهی یک دفعه برای اظهار تنفر در آن مجمع حاضر شوند، بی آن که مجمع را مقدمه اغراض شخصیّه خود قرار دهند و بلکه به ولایات از نتایج افکار خود اطلاع داده، شاید در موقع، نتیجه‌ای از این مجمع مهیا شده دست دهد» از مهمترین تصمیم برای تشکیل مجمع جهانی پیگیری بازسازی بقیع شریف و محکوم کردن حمله وهابیت است.

### زندگینامه شیخ یحیی طارمی زنجانی

مرحوم شیخ موسی عباسی زنجانی در کتاب الفهرست لمشاهیر علماء زنجان از این عالم بزرگوار چنین یاد کرده است: «عالم ربّانی و فاضل صمدانی ... مروّجا مفتیا فاضل ثقة واعظ، استفاد منه العام و الخاص و لم یر فی زنجائیین مثله فی الترویج و الناس یدکرونه بالخیر، فجراه الله خیر الجزاء».<sup>۱</sup>

تاریخ زندگی این عالم فاضل در برخی از منابع زندگی نامه‌ای آمده است.<sup>۲</sup> اصیل‌ترین منبع، زندگی نامه‌ای است که به قلم فرزندش مرحوم محمدرضا روحانی نوشته شده و گزیده آن چنین است:

شیخ یحیی فرزند فقیه بزرگ شیعه، شیخ جواد بن محرم علی طارمی زنجانی، در ۱۲۹۵ ق در نجف اشرف متولد شد،<sup>۳</sup> دروس ادبیات و بخشی از فقه و اصول و کلام را نزد پدر

۱. الفهرست لمشاهیر علماء زنجان، موسی زنجانی، ص ۱۷۳

۲. نک: الفهرست لمشاهیر علماء زنجان، ص ۱۷۳؛ شرح زندگانی دانشمندان و زوّات رجال رجال لشکری و کشوری زنگان (زنجان)، کریم نیرومند (محقق)، ص ۲۳۶-۲۳۹؛ رساله و فیات العلماء، سید احمد زنجانی، ص ۶۹۶؛ سلطنت علم و دولت فقر، علی ابوالحسنی (منذر)، ص ۱۴۴-۱۴۶

۳. در کتاب شرح زندگانی دانشمندان و زوّات رجال رجال لشکری و کشوری زنگان (زنجان)، ص ۲۳۶ محل ولادت او را زنجان نوشته است.





بزرگوارش فرا گرفت. پس از مراجعت پدر به زنجان، در نجف ماند و نزد بزرگانی چون آخوند خراسانی، میرزا حسین نائینی، [شیخ زین العابدین] مازندرانی درس آموخت، علامه تهرانی، شیخ الشریعه اصفهانی را نیز در شمار اساتید ایشان یاد کرده است.<sup>۱</sup>

این عالم وارسته در سال ۱۳۲۳ ق به زنجان بازگشت و تا پایان زندگی در این شهر به تدریس و تبلیغ و اقامه نماز در این شهر پرداخت. وی در ۱۳۴۵ به سفر حج رفت و در شوال ۱۳۵۲ ق در شهر زنجان درگذشت.

مزار او در صحن امامزاده سید ابراهیم (علیه السلام) این شهر، کنار مزار پدرش شیخ جواد طارمی و شیخ زین العابدین عابدی و شیخ زلفعلی رهامی زنجانی و شیخ کاظم رشاد زنجانی است.

دو تصویر از این عالم وارسته در کتاب خط سوم در انقلاب مشروطیت<sup>۲</sup> و کتاب سلطنت علم و دولت فقر<sup>۳</sup> چاپ شده است.

یادآوری می‌شود این متن دو صفحه اعلانیه در سال ۱۳۰۴ ش است که در زنجان چاپ شده و در میان مردم توزیع شده است. نسخه‌ای از این اعلانیه به لطف استاد بزرگوار جناب بهمن خطیبی در اختیار این جانب قرار داده شد و پس از بررسی روشن شد این اعلانیه در روزنامه تبریز، پنجشنبه ۶ مهرماه ۱۳۰۶ ش، دوم ربیع الثانی ۱۳۴۶ ق، شماره ۲۸، سال هجدهم، ص ۱ و ۲ نیز منتشر شده است. این متن با تصحیح اغلاط و خوانشی دوباره و افزودن پاورقی‌ها و مقدمه‌ای در شرح وقایع یاد شده؛ همراه با زندگی نامه آیت الله طارمی زنجانی تقدیم می‌شود.

\*\*\*

۱. تحفه طارم، محمد رضا روحانی، ص ۲۲-۲۴ و ۳۰۱-۳۰۲؛ سلطنت علم و دولت فقر، علی ابوالحسنی (منذر)، ص ۶۴۴-۶۴۶

۲. خط سوم در انقلاب مشروطیت، ابوالفضل شکوری، ص ۵۰۰

۳. سلطنت علم و دولت فقر، علی ابوالحسنی (منذر)، ص ۶۴۷

## متن رحله حجازیه و کلمه طیبیه

مکالمه حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین، آیه الله فی الارضین کشف الدین و غیاث المجتهدین آقای آقا حاجی شیخ یحیی طارمی زنجانی - متع الله المسلمین بطول بقائه - با سلطان وهابیه و مجادله ایشان با قاضی آنها و مغلوب شدن قاضی در نزد وهابی و غیره که فی الحقیقه مایه احیای دین و روسفیدی مسلمین است، اجمالش این است:

بسمه تعالی

محض تذکار به بعضی از اسرار حج در جدّه که مجمع غالب حجّاج است، شب ورود که بیست و هفتم ذیقعده یک هزار و سیصد و چهل و پنج باشد، در مجمع وهابی و غیره خطابه آیه شریفه ذیل را عنوان و به زبان عربی و ترکی و فارسی تفسیر و بیان فرمودند:

قوله تعالی: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» [الحجرات: ۱۵].

از انحصار مؤمن در مصداق آیه شریفه و انطباق جهاد نفس و مال و سبیل الله در اعمال حج و تختنه مذاهب باطله نطق مناسبی شد و جمعی از وهابیها ملجأً به تصدیق و تحسین شدند و این امر ناگوار را به پادشاه خود که ابن سعود باشد اطلاع دادند، آن هم محض سیاست و پیشرفت مقاصد امروزه خود، به حضرتشان متعرض نشده، بلکه در بعضی از امور مهمه معیت و همراهی خود را اظهار داشت. من جمله چون از سنین سابقه مرسوم بوده که عثمانیه و وهابیه کم یک بودن ماه را تبعیت نمایند و این امر منشأ اختلاف در وقوف در عرفات بین شیعه و ایشان می شده، به ملاحظه کم یک می بایست، چهارشنبه غره ذیحجه باشد، ابن سعود لوائح و روزنامه هایی نشر نمود که پنجشنبه غره است و اختلاف نخواهد شد. حضرت آقا محض تصحیح عمل خود و شیعیان امر ماه را تعقیب نموده به شهادت شهود معتمده الی روز هفتم ماه غره بودن چهارشنبه را ثابت و محقق نمودند. ابن سعود هم همان روز اذنی اقامه شهود داد، نزد قاضی هم ثابت شد و در معنی تبعیت شیعیان نمود و توافق در موقف که عمده آرزوی شیعیان بود به عمل آمد. ابن سعود به پادشاه این خدمت در عرفات، رضا نامه ای به مهر بعضی از حجّاج رساند و حال آن که بعد از عرفات، منتهای نامنی از قبیل مفقود شدن

چند نفر مرد و زن و کشته شدن یک زن و بچه در زیر سم سواره‌ها و سرقت خرجی تبریزی و زنجانی و غیره شد.

فعلی هذا خواست بعضی از ایرانی‌ها را به وسیله دعوت به منزل خود یا سایر وسائل، اغفالی از این ناامنی نماید یا آن که تحییبی برای آتیه کند، لهذا در مکه معظمه توسط جناب احمدخان لاری<sup>۱</sup> - قونسول ایران - اتوموبیل شخصی خود را با چند اتوموبیل دیگر فرستاد، شخصاً از حضرت آقا و چندین نفر از محترمین دیگر تقاضای دیدار نمود.

ایشان فرمودند: از جانب دولت یا ملت نمایندگی ندارم که دیدار حضورم رسمیت و اثری داشته باشد، ثانیاً دولت ایران چون تابع روحانیان است، اطاعتش لازم است، منع قطعی از سفر حجاز فرموده که مخالفتش مورد تحییب ابن سعود شود. بهترین تحییب و موثرترین سیاست تعمیر قبور منهدمه است که هدم ارکان سیاستش نموده و سبب تنفر قلبی عموم گشته، اگر چه از ما ایرانیان هم مبلغ گزافی بگیرد.

کسی گفت ابن سعود می‌فرماید: مؤتمر و مجمع اسلامی که در حجاز منعقد شده، تصویب فرموده که به مقدار یک قامت و نصف سور و دیوار بی سقفی به اطراف جمیع قبور منهدمه بعد از موسم حج کشیده شود، بعد از آن اگر سقف را هم تجویز نمودند، ساخته خواهد شد و ابن سعود گدا و فقیر نیست که به این بهانه از کسی چیزی بگیرد و گرنه هندی‌ها کرور کرور نقداً می‌دادند، می‌گرفت.

حضرت آقا چون از خلف وعده [پادشاه] طائف و غیره مستحضر بودند، اعتماد به وعده و عهدش نداشتند، لذا به دیدارش حاضر نشدند، گر چه چند نفری که حاضر مجلس قونسول نبوده، دیدی از ابن سعود نمودند، به ایشان وعده‌های بی اساس داده که چند ماهه خلفش معلوم خواهد شد. به جهت آن که هدم و تخریب قبور از ارکان مهمه مذهب وهابیّه است، بی تعقیب و فشار تعمیر نخواهد کرد، کما این که در هجدهم ذیحجه با اتوموبیل به مدینه

۱. صحیح: محمد علی لاری است. وی رئیس کنسولگری ایران در نجد بود. نک: تخریب و بازسازی بقیع به روایت





مشرف شدند، تمامی قباب و مزار که در داخل و خارج مدینه منوره بوده، چه قدرها نقدیه به عمله مزد داده‌اند و با خاک یکسان نموده‌اند، فقط و فقط گنبد محترم حضرت ختمی مرتبت - صلی الله علیه و آله - را دست زده‌اند، حتی روزی در مسجد حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - قاضی بزرگ مدینه، در مجمع جمع کثیری از مذاهب اسلامی به این امر علنی در وعظش تصریح می‌نمود که هر کس قبر را زیارت کند یا این که «یا رسول الله»، «یا علی»، «یا حسین» بگوید، دعوت غیر خدا کرده، بت پرست و مشرک است؟!)

به محض گفتن این حرف، حضرت آقا به صدای بلند فرمودند: «آقا!! حریت و آزادی هست که مسلمانی در این مجمع مطلب خود را بین کند؟».

قاضی گفت مگر شما از علما هستید؟ فرمود: «در استحکام عقاید خود از جهال نیستیم». گفت: «مطلبتان را بیان کنید».

حضرت آقا فرمودند: «اشخاص مغرض محض القاء نفاق، اشتباه کاری نموده، مسلمین موحدین را در نظر شماها مشرک و و بت پرست جلوه داده‌اند، فعلاً از هر طبقه مسلمین در این مجمع حاضرند، پرسید و یا به کتابهای عقاید اهل هر مذهبی رجوع کنید تا این که معلوم شود؛ احدی از ماها نسبت به انبیاء و اولیاء به عنوان عبودیت خضوع نکرده و نمی‌کند و هرگز آنها را به عنوان معبود خود نمی‌داند و هر کس معبودشان بداند مشرکش می‌دانیم».

تا این که کلام رسید به معنی زیارت و عبادت و شفاعت و حیات و ممات انبیاء و اولیاء، مختصراً در هر موضوع جواب شافی و کافی بیان عوام فهم بیان فرمودند، که این مختصر گنجایش تفصیل آن را ندارد. از آنجایی که رکن رکین مذهب ایشان هدم قبور است، با مباحثه و هزاران دلیل مرتدع نمی‌شود و نخواهند شد.

با مجادله جوابشان را دادند و فرمودند شماها در هر حال به اقتضای عقیده خود رفتار نمی‌کنید؛ زیرا به این تقریری که می‌گویید غیر از خود جمیع طبقات مسلمین را مشرک و بت پرست می‌دانید و قدرت و استیلا هم دارید، پس به موجب آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ، فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». [التوبه: ۲۸] نباید بگذارید احدی از ماها

داخل مسجد الحرام و سایر امکنه مقدسه بشود و حال آن که معتمد و قونسول خود را به شام فرستاده که تذکره‌ها را مجاناً امضا کند و اگر ماها را مسلمان می دانید، به چه وجه شرعی به مسلمین موحدین نسبت شرک و بت پرستی می دهید؟

کلام به اینجا که رسید، آن قاضی ساکت و مجلس متفرق و در مدینه مغلوبیتش منتشر شد، حتی فردای آن روز به مسجد رفتند از برای این که شاید مباحثه‌ای شود و با وجود این که تازه به وعظ شروع کرده بود، همین که دید حضرت آقا در مجلس حاضرند نطقش را قطع کرد و از مسجد خارج شد و مجلس متفرق گشت و این امر مغلوبیتش را فوق العاده منتشر و آشکار نمود، لیکن حضرت آقا طرفه آن را مستند به سیاست دانست، که مبادا جدال منتهی به قتال شود.

توضیحاً به چند چیز اشاره می شود:

هر کس بخواهد ناامنی ظاهری مساله را بداند، به دُسیه (پرونده) نظمیه مکه مراجعه کند که مفقودی چندین مرد و زن و سرقت چقدرها نقدیه را به آن اداره تظلم نموده‌اند و هر کس که بخواهد ناامنی معنوی را بداند، تفاوت مخارج حاج امساله و سال گذشته را ملاحظه دارد و هر کس که بخواهد بداند که خرابی قبور رکن رکین مذهب ایشان است، هدم تمامی قبور طایف و مکه و مدینه را یاد کند، که قریب هشت مسجد به تبعیت قبور خراب و منهدم شده است و هر کس سست عهدی اینها را بخواهد امتحان کند به وعده‌ای که گفته بعد از موسم حج دیواری به اطراف قبور خواهد کشید انتظار کشد.

می شود با این مجادلات و مذاکرات، سیاستش مقتضی تحیب شود و به تعمیر قبور منهدمه جلب قلوب منکسره نماید، گرچه این امر در ماده ابن سعود محتمل است، لیکن قاضی با این امر راضی نخواهد شد، بلکه العیاذ باللّه از خرابی گنبد محترم حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - ترسانیم و هکذا می خواهند نجف اشرف را جزو مملکت نجد محسوب دارند و از بی احترامی به آن بارگاه هراسانیم، هر قدر به بقاع محترمه اظهار علاقه مندی شود، وهابی ها مدارا خواهند نمود، کما این که استعمال دخانیات را حرام می دانند، محض علاقه مندی مسلمین به دخانیات مدارا نموده، بیع و شراء آن را منع نمی کنند،

پس مناسب است غیرتمندان مسلمین در هر بلد مجمعی تشکیل دهند و هفته یا ماهی یک دفعه برای اظهار تنفر در آن مجمع حاضر شوند، بی آن که مجمع را مقدمه اغراض شخصیّه خود قرار دهند و بلکه به ولایات از نتایج افکار خود اطلاع داده، شاید در موقع، نتیجه از این مجمع مهیا شده دست دهد. ان شاء الله تعالی.

در خانه اگر کس است یک حرف بس است.

## منابع

۱. تاریخچه و نقد و بررسی عقائد و اعمال وهّابی ها، سید ابراهیم سید علوی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶
۲. الفهرست لمشاهیر علماء زنجان، موسی عباسی زنجانی، تحقیق سید حسین جعفری، قم، نشر آل عبا، ۱۳۸۰
۳. اسناد و روابط ایران و عربستان سعودی ۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش، علی محقق، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹ ش
۴. تحفه طارم، محمد رضا روحانی، به اهتمام محمد کاظم مکملی (سحر زنجانی)، زنجان، نشر عود، ۱۳۸۶
۵. شرح زندگانی دانشمندان و زّوات رجال لشکری و کشوری زنگان (زنجان)، کریم نیرومند (محقق)، زنجان، نشر عود، ۱۳۸۵
۶. بقیع در آینه تاریخ، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. پژوهشکده حج و زیارت، تهران، نشر مشعر، ۱۳۹۴
۷. الفردوس الرفیع فی تواریخ الحجج و الأئمة المدفونین فی البقیع، محمد حسین بن ابراهیم گیلانی نجفی، نسخه خطی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، شماره ۱۰۵۷

۸. تاریخ حرم ائمه بقیع علیهم السلام و آثار دیگر در مدینه منوره، محمد صادق نجمی (تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶)
۹. مقالید الأبواب، ابوالقاسم بن میرمحمد کاظم موسوی زنجانی، نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ش ۱۳۸۵
۱۰. روز شمار تاریخ معاصر ایران، غلامرضا درکتانین، محمد محبوبی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ج ۶، ۱۳۹۵
۱۱. رساله وفيات العلماء، سید احمد حسینی زنجانی، در ضمن میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۶
۱۲. سلطنت علم و دولت فقر، علی ابوالحسنی (منذر)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴
۱۳. خط سوم در انقلاب مشروطیت، ابوالفضل شکوری، زنجان، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی زنجان، ۱۳۷۱
۱۴. تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد، سید علی قاضی عسکر، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۴